

# A Comparative Study of the Fulfillment of the Promise of the Believers' Succession on Earth in the Light of Verse 55 of Surah An-Nur

( Received: 2025-05-27 Acceptance: 2025-07-31 )

Habibollah Halimi Jلودار <sup>1</sup> , Rohollah Shirian Mahshad <sup>2</sup> ,  
Ayuob Parvini <sup>3</sup> 

## Abstract

Verse 55 of Surah An-Nur is one of the key verses of the Holy Qur'an regarding God's divine promise to the believers for succession and the establishment of authority on earth. This study, through an analytical and comparative approach, examines the exegetical perspectives of both Shia and Sunni scholars concerning the fulfillment of this promise. The findings indicate that Sunni commentators such as al-Tabari, Ibn Kathir, and al-Qurtubi interpret the realization of this promise as having occurred during the early Islamic period—specifically, in the time of the Prophet Muhammad (peace be upon him) and the Rightly Guided Caliphs. In contrast, Shia exegetes, including Allameh Tabataba'i and Ayatollah Makarem Shirazi, believe that the complete and final fulfillment of this verse will take place in the future, during the reappearance of Imam al-Mahdi (may God hasten his reappearance). In both perspectives, the conditions for the realization of this divine promise are faith, righteous deeds, and pure monotheism. The results of the study reveal that although both schools of thought affirm the principle of divine succession (istikhlaf), they differ significantly regarding its ultimate manifestation and scope of realization. These differences stem from the theological and narrative foundations of each tradition. Moreover, the divine promise of succession is not only a prophecy of future triumph but also a civilizational strategy encompassing moral, identity-based, political, cultural, and psychological dimensions—serving to strengthen discourse, reengineer social structures, and guide the educational direction of the Islamic system in the contemporary era.

**Keywords:** Succession (Istikhlaaf), Divine Promise, Mahdism, Surah An-Nur

1. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Mazandaran University, Babolsar, Iran. jلودار@umz.ac.ir

2. Ph.D. Candidate in Quranic and Hadith Studies, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Mazandaran University, Babolsar, Iran. Shn.1400@gmail.com

3. Ph.D. Candidate in Quranic and Hadith Studies, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding author) ayub.parvini@gmail.com




## بررسی تطبیقی تحقق وعده استخلاف مومنان در زمین در پرتو آیه ۵۵ سوره نور

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۹)

حیب اله حلیمی جلودار<sup>۱</sup> 

روح اله شیریان مهشاد<sup>۲</sup> 

ایوب پروینی<sup>۳</sup> 

### چکیده

آیه ۵۵ سوره نور یکی از آیات کلیدی قرآن کریم در زمینه وعده الهی به مؤمنان برای جانشینی و استقرار حاکمیت در زمین است. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و تطبیقی به بررسی دیدگاه‌های تفسیری شیعه و اهل سنت درباره تحقق این وعده می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفسران اهل سنت، همچون طبری، ابن کثیر و قرطبی، تحقق وعده را در دوره تاریخی صدر اسلام، به ویژه زمان پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین دانسته‌اند. در مقابل، مفسران شیعه از جمله علامه طباطبایی و آیت‌الله مکارم شیرازی، تحقق نهایی و کامل آیه را در آینده و در دوران ظهور امام مهدی (عج) دانسته‌اند. در این میان، شرط تحقق وعده در هر دو دیدگاه، ایمان، عمل صالح و توحید خالص معرفی شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که گرچه هر دو مذهب بر اصل وعده استخلاف تأکید دارند، اما در تعیین مصداق نهایی و دامنه تحقق آن، تفاوت‌های قابل توجهی میان آن‌ها وجود دارد. این تفاوت‌ها ریشه در مبانی کلامی و روایی هر مذهب دارد و این وعده، نه تنها نویدی الهی برای آینده، بلکه راهبردی تمدن ساز در ابعاد اخلاقی، هویتی، سیاسی، فرهنگی و روانی برای تقویت گفت‌وگو، بازمهندسی ساختار اجتماعی و جهت دهی تربیتی نظام اسلامی در عصر حاضر است.

**کلمات کلیدی:** استخلاف، وعده الهی، مهدویت، سوره نور

۱. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

jloudar@umz.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی،

دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. Shn.1400@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی،

دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. ayub.parviny@gmail.com



یکی از مفاهیم بنیادین در اندیشه دینی، مسئله خلافت انسان بر زمین است؛ مفهومی که از آغاز آفرینش آدم علیه السلام تا آینده موعود، جایگاه ویژه‌ای در آموزه‌های وحیانی دارد (ر.ک: بقره: ۳۰). آیه ۵۵ سوره نور، از مهم‌ترین آیات در این زمینه است. در این آیه، خداوند وعده‌ای قطعی به مؤمنان داده است که آنان را در زمین خلافت خواهد بخشید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» این وعده شامل استخلاف در زمین، ایجاد امنیت و آرامش، و اقامه دین توحیدی است. اما پرسش اساسی آن است که تحقق این وعده در چه شرایطی، با چه مصادیقی و در چه برهه‌ای از تاریخ صورت می‌گیرد؟ مفسران قرآن از مذاهب مختلف اسلامی، برداشت‌های گوناگونی از این آیه ارائه داده‌اند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، وعده استخلاف را ناظر به خلافت الهی برای مؤمنان صالح می‌داند که در نهایت، در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام به طور کامل محقق خواهد شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۷۷). تفسیر نمونه نیز بر این تأکید دارد که این آیه وعده‌ای عام است، اما در بالاترین مصداق خود بر حکومت جهانی صالحان در عصر ظهور دلالت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۶۶). در مقابل، برخی مفسران اهل سنت چون فخر رازی، وعده مذکور را به خلفای راشدین و تحقق آن در زمان صدر اسلام مرتبط می‌دانند (رازی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۵۹۲). ابن کثیر نیز تحقق وعده را در گسترش اسلام در دوره نبوی و خلفای نخستین تفسیر کرده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۸۵). از این رو، میان دو رویکرد عمده تفسیری، یکی نگاه آینده‌نگر و مهدوی، و دیگری نگاه تاریخی و گذشته‌نگر وجود دارد. این تفاوت دیدگاه‌ها، زمینه مناسبی برای یک بررسی تطبیقی فراهم می‌آورد تا روشن شود تحقق وعده در این آیه تا چه اندازه وابسته به شرایطی مانند ایمان، عمل صالح، پیروی از حق، و آمادگی اجتماعی است و با تمرکز بر مقایسه دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت درباره تحقق وعده استخلاف و شرایط آن، درصدد پاسخ به این پرسش‌ها می‌باشد که: ۱- دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت درباره تحقق وعده استخلاف در آیه ۵۵ سوره نور چیست؟ ۲- چه مؤلفه‌هایی برای تحقق این وعده از منظر قرآن و تفاسیر معتبر بیان شده است؟

در روزگار معاصر که بازخوانی مفاهیم قرآنی به ویژه در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و تمدنی اهمیت فزاینده‌ای یافته است، بازشناسی وعده‌های الهی در باب حاکمیت صالحان و استخلاف مؤمنان ضرورت دوچندان دارد. از اینرو، این

پژوهش با بهره‌گیری از منابع اصیل تفسیری می‌کوشد تصویری روشن از نحوه تحقق وعده الهی در قرآن ارائه دهد و در فهم بهتر سنن الهی در تاریخ نقش آفرین باشد. و ضرورت و اهمیت این موضوع را بیشتر نمایان کند.

### تحلیل مفاهیم و واژگان آیه

متن آیه ۵۵ سوره نور «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

وَعَدَ اللَّهُ: وعد به معنای خبر دادن از چیزی مطلوب در آینده است که به وقوع آن اطمینان داده می‌شود. راغب می‌نویسد: «الوعد: الإخبار بما يُسَّرُّ في المستقبل» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۸۲۸). فعل «وَعَدَ» در سیاق خبر قطعی آمده و چون فاعل آن «الله» است، تحقق آن حتمی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۶). «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»: شرط تحقق وعده، ایمان حقیقی و عمل صالح مستمر است؛ دو مقوله‌ای که در قرآن بارها در کنار هم آمده‌اند (ر.ک: بقره: ۲۵؛ کهف: ۱۰۷) طبق تفسیر نمونه، این تعبیر نشان می‌دهد که استخلاف و وعده الهی تنها اختصاص به نژاد یا گروه خاص ندارد، بلکه مشروط به تحقق این دو معیار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۶۴). «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» «استخلاف» از ریشه «خلف» به معنای جانشین کردن است. یعنی خداوند آنان را در زمین جانشین و وارث قدرت می‌گرداند (مصطفوی، ج ۳، ص ۳۳۵) سیاق آیه نشان می‌دهد که این استخلاف، اجتماعی و سیاسی است، نه صرفاً فردی یا اخلاقی. تشبیه به استخلاف پیشینیان، اشاره به سنت جاری الهی در تاریخ دارد (مجمع البیان، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۴۴). «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» برخی مفسران اهل سنت، این بخش را ناظر به خلافت بنی اسرائیل یا پیامبران پیشین دانسته‌اند (فخر رازی، بی تا، ج ۲۴، ص ۵۹۲). مفسران شیعه، این مقطع را ارجاع به سنت کلی خداوند در انتقال قدرت به صالحان در تاریخ می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۶). «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» «تمکین» یعنی تثبیت، ریشه دار شدن، و استقرار پایدار. اشاره به تحقق عینی دین در حیات اجتماعی مؤمنان است. «دین مرتضی» نزد اغلب مفسران، همان اسلام ناب توحیدی است که خالی از بدعت و انحراف است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۶۵). برخی از مفسران شیعه آن را ناظر به مذهب حق (ولایت اهل بیت) دانسته‌اند (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۷۹). «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا».



«يُبَدِّلْنَهُمْ» فعل مؤكّد مضاعف است که بر تحول قطعی در وضعیت اجتماعی مؤمنان تأکید دارد از «خوف» به «أمن»؛ یعنی از دوران تهدید، فتنه، شرک، و ظلم به دوران عدالت و آرامش. این تعبیر با وعده‌های مشابه در تورات و انجیل شباهت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۷۶). «يَعْبُدُونِنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» این جمله به منزله نتیجه و شرط نهایی تحقق وعده است. یعنی در سایه حکومت الهی، باید عبادت خالصانه برقرار باشد. طبق نظر بسیاری از مفسران، اگر جامعه مؤمنان از مسیر توحید منحرف شود، تحقق استخلاف نیز معطل می‌ماند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۲۶). «وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ» هشدار به کسانی که پس از تحقق این وعده، کفر بورزند و از مسیر خارج شوند. تعبیر «فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» نشان می‌دهد که خروج از مسیر توحید، باعث از دست رفتن استخلاف و امنیت نیز می‌شود (مجمع البیان، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۴۴) در نهایت، در جمع بندی مفهومی این آیه می‌توان گفت: وعده‌ای قطعی، مشروط و ناظر به تحولی تمدنی در جامعه مؤمنان است که با ایمان، عمل صالح، عبادت توحیدی، و دوری از شرک محقق می‌شود. این وعده شامل خلافت در زمین، استقرار دین، امنیت اجتماعی و پیروزی نهایی است. در تفاسیر شیعه، اوج تحقق آن در عصر ظهور حضرت مهدی (عج) دانسته شده و در برخی تفاسیر اهل سنت، تحقق آن را در دوره پیامبر (ص) و خلفای راشدین می‌دانند.

### پیشینه

آیه ۵۵ سوره نور یکی از آیات مهم قرآن در باب وعده الهی برای تحقق حاکمیت مؤمنان بر زمین است. این آیه از گذشته مورد توجه مفسران قرآن و نیز محققان حوزه‌های مرتبط با مهدویت، خلافت و سیاست دینی قرار داشته است. در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی با محوریت آیه ۵۵ سوره نور یا موضوع خلافت و استخلاف صورت گرفته است. از جمله:

نजारزادگان، فتح‌الله در کتابی با عنوان «بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی (عج) در دیدگاه فریقین» مشتمل بر پنج فصل است: فصل اول کلیات و دربردارنده مباحث «درنگی در نظریه منجی موعود در ادیان و ملل»، «سیری کوتاه در پیشینه مهدویت پژوهی در اسلام» و «طبقه بندی آیات درباره مهدویت و تنقیح موضوع» است. فصل دوم به بررسی تطبیقی آیات «اظهار دین حق» (توبه / ۳۳ - ۳۲) و فصل سوم به بررسی تطبیقی تفسیر آیه «وعد» (نور / ۵۵) اختصاص دارد. هرکدام از این دو فصل، طی سه گفتار - پس از طرح مباحث مقدماتی - به بررسی دیدگاه‌های شیعه، دیدگاه‌های اهل سنت و



دوره چهارم  
شماره اول  
پیاپی: ۷  
بهار و تابستان  
۱۴۰۴

بررسی و ارزیابی دیدگاه‌های فریقین پرداخته است. فصل چهارم طی دو گفتار به «تبیین دین حق» و «ویژگی‌های عصر سیطره دین» اختصاص یافته تا بتواند تا حدودی اختلافات را درباره معنای دین حق فرونشاند و تمام ویژگی‌های عصر ظهور را بر مدار «توحید باوری و زیست موحدان» نمایان سازد. فصل پنجم گامی در شناخت امام مهدی برداشته و در آن برمبنای نقاط مشترک فریقین در آیات مذکور با بررسی رسالت امام مهدی در احیای دین و تحلیل اوصاف ایشان در آموزه‌های فریقین، تا حدودی به شناخت امام نایل شده است. (نجارزادگان، ۱۳۸۹)

نجارزادگان، فتح‌الله در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی تفسیر آیه وعده (نور: ۵۵) از دیدگاه مفسران فریقین (با تأکید بر شناخت قوم موعود)» به بررسی تعیین مصداق قوم موعود پرداخته است و با شیوه‌ای تحلیل انتقادی به درک ویژگی‌های قوم موعود با اطلاق تعابیر آیه در موضوعاتی چون استقرار کامل دین و برقراری امنیتی فراگیر با توجه به روایات فریقین و پیوند دادن این آیه با آیه سیطره دین (توبه: ۳۳) بر تطبیق آن بر عصر ظهور به عنوان یگانه مصداق تأکید کرده است. (نجارزادگان، ۱۳۹۱)

احمدیان، علی اصغر در مقاله «تبیین استخلاف از منظر قرآن» با استناد به مجموعه‌ای از آیات، به تحلیل مفهوم استخلاف و تمایز آن با خلافت الهی پرداخته است. وی استخلاف را فرایندی اجتماعی-سیاسی می‌داند که مبتنی بر سنن الهی و صلاحیت اخلاقی و ایمانی جامعه است (احمدیان، ۱۳۹۵)

حسینی، سید محسن در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تحلیل وعده الهی در قرآن از منظر جامعه‌شناسی دینی» به بررسی کارکرد اجتماعی وعده‌های الهی از جمله آیه استخلاف پرداخته و تأکید دارد که تحقق این وعده به سازوکارهای تمدنی و آمادگی جمعی نیاز دارد (حسینی، ۱۳۹۸، فصل تحلیل یافته‌ها).

بابایی، علی اکبر و کوهی‌گونبانی، سکینه در مقاله‌ای با عنوان «تفسیر تطبیقی آیه ۵ سوره نور با تأکید بر شناخت مستخلفین» با رویکرد تطبیقی میان دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت، تلاش کرده‌اند به شناسایی ویژگی‌های مستخلفین و شرایط قرار گرفتن در دایره وعده الهی بپردازند. این مقاله با تمرکز بر شاخص‌های ایمانی، اعتقادی و اجتماعی گروه مستخلف، سهم مهمی در تبیین پیش‌شرط‌های تحقق استخلاف ایفا می‌کند. (بابایی و کوهی‌گونبانی، ۱۳۹۹)

نوروزی، رضا و قاسم‌پور، محسن در پژوهشی با موضوع «بررسی دلالت آیه ۵۵



سوره نور بر رجعت از دیدگاه فریقین» با بررسی اعتقاد شیعیان به رجعت و در مقابل انکار اهل سنت نشان می‌دهند که رجعت با توجه به ادله قرآنی، در آخرالزمان به وقوع می‌پیوندد و در نهایت نتیجه می‌گیرند که این آیه بر رجعت دلالت دارد (نوروزی و قاسم پور، ۱۳۹۹)

خوش‌فر، محسن و عمادی، مریم در مقاله‌ای با عنوان «تخصیص یا تعمیم مصداق موعودین در آیه ۵۵ سوره نور» با بررسی دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت درباره مصداق وعده داده شده در آیه، تلاش کرده‌اند روشن کنند که آیا آیه به گروه خاصی مانند اهل بیت علیهم‌السلام اختصاص دارد یا شامل مصداق گسترده‌تری از مومنان نیز می‌شود (خوش‌فر و عمادی، ۱۴۰۰)

زکی، دکتر زهره و عظیمی‌فر، دکتر علیرضا در مقاله خود با عنوان «بررسی تفسیری آیه ۵۵ سوره نور بر حاکمیت الهی صالحان بر زمین با رویکرد تطبیقی» نتیجه می‌گیرند که وارثان و حاکمان واقعی زمین، در آخرالزمان، مومنان صالحی هستند که زمانی توسط زورگویان و ستمگران به استضعاف کشیده شده‌اند و براساس قاعده تفسیری جری و تطبیق قابل تطبیق می‌باشد. (زکی و عظیمی‌فر، ۱۴۰۳)

اگرچه هر یک از آثار پیشین به بخشی از مباحث مربوط به آیه ۵۵ نور پرداخته‌اند، اما بیشتر آن‌ها یا دارای رویکرد یک‌سویه (مذهبی یا تفسیری) هستند، یا تمرکز آن‌ها بر کلیات مفهوم خلافت و تمکین بوده است. پژوهش حاضر، با رویکردی تطبیقی و تحلیلی، به بررسی تحقق وعده استخلاف میان دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت پرداخته و می‌کوشد فراتر از یک تفسیر عقیدتی، به سنن تحقق وعده در قرآن کریم و رابطه آن با حاکمیت دینی در تاریخ و آینده بپردازد.

## بررسی آیه مبارکه ۵۵ سوره نور

### ۱- مفسران شیعه:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

ترجمه: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همانگونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر می‌کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند،

[تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هرکس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.

در این آیه کریمه خداوند متعال مؤمنانی را که عمل صالح داشته باشند وعده داد تا به آنها خلافت در زمین را ببخشد همانطور که پیش از آنان را بخشیده بود. در ابتدای امر این سؤال مطرح می‌شود که منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» چه کسانی هستند؟

در پاسخ باید گفت در این رابطه نظرات مختلفی مطرح است، از جمله با استفاده از شأن نزول آیه که آمده: «هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان به مدینه هجرت کردند و انصار با آغوش باز آنها را پذیرا گشتند تمامی عرب بر ضد آنها قیام کردند و آنچنان بود که آنها ناچار بودند اسلحه را از خود دور نکنند، شب را با سلاح بخوابند و صبح با سلاح برخیزند (و حالت آماده باش داشته باشند) ادامه این حالت بر مسلمانان سخت آمد، بعضی این مطلب را آشکارا گفتند که تا کی این وضعیت ادامه خواهد داشت؟ آیا زمانی فرا خواهد رسید که ما با خیال آسوده شب استراحت کنیم و اطمینان و آرامش بر ما حکم فرما گردد، و جز از خدا نترسیم؟ آیه فوق نازل شد و به آنها بشارت داد که آری چنین زمانی فرا خواهد رسید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۲۶) و (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۹۷)

گروهی صاحبان وعده را، صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و انجاز آنرا زمان حکومت خلفاء، بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته‌اند، و عده‌ای نیز صاحبان وعده را تمامی امت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۲۶) و (الطوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۵۶) اما از دید بسیاری از مفسران شیعه این مطلب پذیرفته نشده است (رازی، ج ۱۴، ص ۱۷۰) و (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۵۶)

شیخ طوسی در مورد قول افرادی که می‌گویند صاحبان وعده صحابه و خلفاء بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند بیان می‌کند که منظور از استخلاف در این آیه امارت و خلافت نیست (امارت و خلافت صحابه) بلکه معنای استخلاف در این آیه ابقاء آنها (مؤمنین دارای عمل صالح) به جای اقوام گذاشته است و اینکه آنها را جایگزین و خلف آنها قرار دهد همانطور که خداوند در آیاتی فرموده «هو الذی جعلکم خلائف فی الارض» (فاطر/۳۹) و یا فرموده «عسی ربکم ان یهلک عدوکم و یتخلفنکم فی الارض» (اعراف/۱۲۸) و یا فرموده «و ربک الغنی ذو الرحمة ان یشأ یدهبکم و یتخلف من بعدکم ما یشاء» (انعام/۱۳۳) و یا فرموده «و هو الذی جعل اللیل و النهار خلفه» (الفرقان/۶۲) یعنی اینکه هر کدام از آنها را



پشت سر دیگری قرار داده است و با استفاده از اثبات این امر پس از استخلاف و تمکینی که خداوند در این جا بیان فرموده در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است زیرا خداوند دشمنان حضرت را از بین برد ذکر و بیانش را برتری داد و ولایتش را منتشر ساخت و دعوتش را فراگیر نمود و دینش را کامل کرد. و پناه می‌بریم به خدا از اینکه بگوئیم خداوند در زمان پیامبرش دینش را تمکین نبخشید. همچنین منظور از تمکین در اینجا کثرت فتوح و غلبه بر شهرها نیست زیرا لازمه این مطلب آنست که بگوئیم دین خدا هنوز تمکین نیافته برای اینکه می‌دانیم بسیاری از ممالک اهل کفر مانده است که هنوز توسط مسلمانان فتح نشده است و همچنین لازمه این مطلب آنست که بگوئیم این استخلاف شامل معاویه و بنی امیه نیز هست زیرا آنها بیشتر از ابی بکر و عمر تمکن داشتند و شهرهایی را فتح کردند که آنها فتح نکرده بودند. (الطوسی، ج ۷، ص ۴۵۷) بر همین اساس شیخ طوسی می‌پذیرد که آیه شامل صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است اما اینکه انجام آن فقط در زمان خلفاء باشد وارد می‌کند و می‌گوید این انجام وعده در زمان حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اتفاق افتاده است.

در نفی نظر کسانی که می‌گویند صاحبان وعده همه امت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند، علامه طباطبایی می‌گوید:

آنچه از سیاق آیه شریفه به نظر می‌رسد صرف نظر از مسامحه‌هایی که چه بسا بعضی از مفسرین در تفسیر آیات قرآنی دارند، این است که بدون شک آیه شریفه درباره بعضی از افراد امت است نه همه امت و نه اشخاص معینی از امت، و این افراد عبارتند از کسانی که مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» بوده باشند، و آیه نص در این معناست، و هیچ دلیلی نه در الفاظ آیه و نه از عقل که دلالت کند بر اینکه مقصود از آنان تنها صحابه رسول خدا و یا خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد، نیست و نیز هیچ دلیلی بر اینکه مراد از «الذین» عموم امت بوده، و اگر وعده در آیه متوجه به طایفه مخصوصی از ایشان شده به خاطر صرف احترام از آنان یا عنایت بیشتر به آنان بوده باشد، زیرا همه این حرفها سخنانی خود ساخته و بی دلیل است. (طباطبایی، ج ۱۵، ص ۲۱۳)

به هر حال اگرچه مفسران بیان می‌کنند که قطعاً یکی از صاحبان وعده صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند و انجام این وعده الهی برای ایشان در زمان حکومت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه و مکه اتفاق افتاد

اما اکثر قریب به اتفاق مفسران شیعه معتقدند معنای آیه شریفه جز با اجتماعی که بوسیله ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) تشکیل می‌گردد قابل انطباق کامل و تمام با هیچ اجتماعی نیست. علامه طباطبایی در این مورد می‌گوید: «پس حق مطلب اینست که اگر واقعاً بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم (و همه تعصبات را کنار بگذاریم) آیه شریفه جز با اجتماعی که بوسیله ظهور مهدی (علیه السلام) به زودی منعقد می‌شود قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۱۷) ایشان می‌گویند که استخلاف در این آیه به معنای حکومت صالحانه و اجرای احکام الهی در سطح جامعه است که به تدریج تحقق می‌یابد اما به صورت کامل در عصر ظهور نمایان می‌شود. همچنین در نظر ایشان، این وعده برپایه ایمان و عمل صالح استوار است و تحقق آن نیازمند حضور قدرتی الهی و صالح در جامعه است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، صص ۲۷۶-۲۸۰) در تفسیر نمونه در رابطه با اینکه مصداق کامل آیه حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) است آمده:

«بدون شک آیه شامل مسلمانان نخستین می‌شود و بدون شک حکومت مهدی (علیه السلام) که طبق عقیده عموم مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه ظلم و جور همه جا را گرفته باشد مصداق کامل آیه است، ولی با این حال مانع از عمومیت و گستردگی مفهوم آیه نخواهد بود نتیجه اینکه در هر عصر و زمان پایه‌های ایمان و عمل صالح در میان مسلمانان مستحکم شود. آنها صاحب حکومتی ریشه‌دار و پرنفوذ خواهند شد. و اینکه بعضی می‌گویند: کلمه «ارض» مطلق است و تمام روی زمین را شامل می‌شود و این منحصرأ مربوط به حکومت حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) است با جمله «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» سازگار نیست زیرا خلافت و حکومت پیشینیان مسلماً در تمام پهنه زمین نبود. بعلاوه شأن نزول آیه نیز نشان می‌دهد که حداقل نمونه‌ای از این حکومت در عصر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) برای مسلمانان (هرچند اواخر عمر آنحضرت) حاصل شده است. ولی باز تکرار می‌کنیم که محصول تمام زحمات پیامبران، و تبلیغات مستمر و پی‌گیر آنها، و نمونه اتم حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت خالی از شرک در زمانی تحقق می‌یابد که مهدی آن صلاله انبیاء و فرزند پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ظاهر شود، همان کسیکه همه مسلمانان این حدیث را درباره او از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نقل کرده‌اند: لولم یبق من الدنیا الا یوم لظول الله ذلک الیوم یری رجل من عترتی، اسمه اسمی یملاء الارض عدلاً و قسطاً کما



ملئت ظلماً و جوراً اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آن یک روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است حاکم بر زمین شود و صفحه زمین را پر از عدل و داد کند، آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۳۰) درباره قسمتی از آیه شریفه که می‌فرماید: «كَمَا اسْتَخَلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» موارد مختلفی ذکر شده است از جمله شیخ طوسی در تفسیر التبیان و شیخ طبرسی در مجمع البیان (به نقل از مقاتل) ذکر می‌کنند که «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» یعنی بنی اسرائیل که پس از هلاکت ظالمان سرزمین مصر را در دست گرفتند البته شیخ طوسی نظر دیگری را نیز از جبابی نقل می‌کند که منظور زمان داود و سلیمان (علیه السلام) است. (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۵۵) و (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۳۹) در تفسیر صافی آمده است که منظور اوصیاء پیامبران (علیهم السلام) بعد از ایشان است. (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۲۵۳) که تفسیر روض الجنان انبیاء را نیز علاوه بر اوصیاءشان شامل «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» می‌داند. (رازی، ج ۱۴، ص ۱۷۱) از دیگر نظرات مطرح در خصوص «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» اینست که منظور کافران حاکم پیش از اسلام است. (هاشمی رفسنجانی، ج ۱۲، ص ۳۲۰) اما علامه طباطبایی ضمن رد این نظرات معتقد است که منظور از «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» در آیه افراد معینی از گذشتگان نیست بلکه استخلاف قائم به مجتمع صالح است و آن را اشاره به امت‌های پیشین که دارای ایمان و عمل صالح بودند و حکومت در روی زمین پیدا کردند می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۷۸)

آیت الله جعفری این آیه، وعده تحقق جامعه توحیدی و عدالت محور را داده که در نهایت در پرتو حکومت جهانی امام عصر (عج) به وقوع می‌پیوندد. این استخلاف همراه با برچیدن ترس، ظلم و شرک است و جامعه به امنیت واقعی دست می‌یابد. (جعفری، تفکر اسلامی، صص ۱۴۵-۱۴۲)

«در تفسیر المیزان آمده است: مراد از مستخلفین قبل از ایشان، بنی اسرائیل است که خدا بعد از هلاک کردن فرعون و لشگریانش سرزمین مصر و شام را به ایشان ارث داده، و در آن مکتنتشان داد، همچنانکه درباره آنان فرمود: «و نریدان ان نمّ علی الذین استصغفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض» حرف صحیحی نیست. زیرا آیه مورد بحث از مردمی خبر می‌دهد که بعد از ارث بردن زمین اجتماعی صالح تشکیل دادند و قوم بنی اسرائیل بعد از نجاتشان از فرعون و لشکرش هرگز از کفر و نفاق و فسق خالص نگشتند و مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» نشدند، و به نص قرآن قرآن کریم در آیاتی بسیار هرگز

و در هیچ دوره‌ای چنین روزی به خود ندیدند، و با اینکه اجتماع ایشان همواره از کفار و منافقین و صالحان و طالحان متشکل می‌شده، دیگر معنا ندارد که استخلاف ایشان را مثل بزند برای استخلاف «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و اگر مراد از تشبیه اصل استخلاف ایشان، به استخلاف خلفای قبل از ایشان - که فرضاً بنی اسرائیل باشند چه خوب و چه بد- بوده باشد، در این صورت احتیاجی نبود که مجتمع اسرائیلی را پیش بکشد، و به آنان تشبیه کند و حال آنکه امت‌های موجود در زمان نزول آیه و قبل از آن بسیار قوی‌تر و پرجمع‌تر از بنی اسرائیل بودند مانند روم و فارس و کلد و غیر ایشان: همچنانکه در آیه «اذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح» و آیه «اذ جعلکم خلفاء من بعد عاد» بدون هیچ تشبیهی این امت را جانشینان امت‌های قبل دانست، و حتی کفار از این امت را هم خلفای اقوام پیشین خواند و فرمود: «و هو الذی جعلکم خلائف الارض» و نیز فرمود: «والذی جعلکم خلائف فی الارض فمن کفر فعليه کفره» حال اگر بگوئی چرا جایز نباشد که تشبیه در آیه مورد بحث، تشبیه به بنی اسرائیل باشد؟ آنگاه حق این مجتمع صالح را با جمله بعدی‌اش اداء نموده و بفرماید: «لیمکن لهم دینهم» در جواب می‌گوئیم: بله، اشکالی ندارد، جز اینکه همان طور که گفتیم؛ بنابراین دیگر وجهی ندارد که امت اسلام از میان همه امت‌ها تنها جانشین بنی اسرائیل باشند، و جانشین این امت تنها به جانشینی بنی اسرائیل تشبیه گردد... و اما اینکه مراد از آن، خلافت الهی به معنای ولایت و سلطنت الهی، نظیر سلطنت داود و سلیمان و یوسف (علیهم السلام) بوده باشد، بسیار بعید است، چون از قرآن کریم بعید است که از انبیاء به عبارت «الذین من قبلهم» تعبیر فرماید، و این تعبیر به همین لفظ و یا به معنای آن در بیش از پنجاه مورد در قرآن کریم آمده، و در هیچ جا مقصود از آن انبیاء گذشته نبوده، با اینکه گفتگو درباره انبیاء گذشته در قرآن کریم بسیار آمده، بله در بعضی موارد به عبارت «رسل من قبلک» یا «رسل من قبلی» یا نظیر اینها با اضافه کلمه قبل به ضمیر راجع به رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) آمده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، صص ۲۱۰-۲۱۴)

در مورد عبارت شریفه «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» مفسران، مراد از دین را، اسلام دانسته‌اند. (فیض کاشانی، ۱۳۷۳ ج ۵، ص ۲۵۳) و (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۳۹) و (طوسی، ج ۷، ص ۴۵۵) و (هاشمی رفسنجانی، ج ۱۲، ص ۲۳۱) و (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۲۱۱) و منظور از تمکین دین اسلام اظهار آن بر سایر ادیان بیان شده است. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۳۹) و (طوسی، ج ۷، ص ۴۵۵)



در رابطه با رضایت خداوند متعال به دین اسلام هم گفته شده است که توصیف آن به «مورد پسند خدا بودن» حاکی از این است که تنها این دین مناسب انسان هاست وگرنه موردپسند خدا نبود، گفتنی است سودمند بودن دین اسلام برای بشر از لام «لهم» که برای انتفاع است بدست آمده است. (هاشمی رفسنجانی، ج ۱۲، ص ۳۲۱) منظور از «خوف» در این آیه ترس از دشمنان (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۲۵۳) یا ترس از مشرکین مکه (طوسی، ج ۷، ص ۴۵۵) و یا ترس از حاکمان کافر قبل از آنها (هاشمی رفسنجانی، ج ۱۲، ص ۳۲۱) و یا ترسی که مؤمنین صدر اسلام از کفار و منافقین داشتند عنوان شده است.

و منظور از تبدیل این ترس به امنیت نیز یاری خداوند بوسیله اسلام و بسط آن در عالم (طبرسی، ج ۷، ص ۲۳۹) و (طوسی، ج ۷، ص ۴۵۵) و یا امان در آخرت تفسیر شده است. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۳۹) در تفسیر «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» نیز آمده که یعنی غیر از من (خدا) از کسی نترسند و در عبادتشان ریا نورزند. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۳۹) و (طوسی، ج ۷، ص ۴۵۵) و این عبادت خالصانه هدف نهایی خلافت، حاکمیت و استقرار امنیت در زمین برای مؤمنین است. (هاشمی رفسنجانی، ج ۱۲، ص ۳۲۲) و (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۳۲) و کلمه ذلک در جمله «ومن كفر بعد ذلک» به طوری که سیاق شهادت می دهد اشاره است به موعود؛ بنابراین مناسب تر آن است که کلمه «کفر» را به معنای کفران «در مقابل شکر بدانیم و چنین معنا کنیم که: و هرکس کفران کند و خدا را شکر نگوید، و بعد از تحقق این وعده، عوض شکر با کفر و نفاق و سایر گناهان مهلکه، کفران نعمت کند چنین کسانی کاملاً در فسقند و فسق هم عبارت است از بیرون شدن از زی بندگی. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۱۲)

همچنین ذکر فسق بعد از کفر در بعد از کفر در «و من كفر بعد ذلک فاولئك هم الفاسقون» با اینکه کفر بالاتر از فسق است با توجه به معنای فسق که خروج هر چیز به سوی بیشتر از آن است یعنی کفران و جحد این نعمت بدترین و فاحش ترین نوع کفر است. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۳۹) و (طوسی، ج ۷، ص ۴۵۵) در لسان احادیث نیز این آیه بر زمان ظهور حضرت صاحب الامر، امام زمان، علیه السلام تطبیق داده شده است. شیخ طبرسی به نقل از عیاشی از امام سجاد علیه السلام نقل می کند که حضرت علیه السلام این آیه را قرائت کردند و گفتند: آنها، شیعیان ما اهل البیت هستند که خداوند این وعده را برای آنها بدست مردی از ما که همانا حضرت مهدی است تحقق می بخشد. همان کسی که رسول الله صلی الله علیه و واله در مورد او فرمودند: اگر از عمر دنیا تنها يك روز باقی مانده باشد



خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌گرداند تا مردی از عترت من که هم‌نام من است بیاید و زمین را پر از عدل و داد کند همچنانکه پر از ظلم و جور شده باشد. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۴۰) از امام صادق علیه‌السلام نیز درباره معنای این آیه روایت شده است «القائم و اصحابه»؛ «درباره حضرت قائم علیه‌السلام» و اصحاب او نازل شده است. (بحرانی، ۱۳۹۴، ص ۳۱۸) همچنین از همان حضرت علیه‌السلام نقل شده است که «وعدالله الذین آمنوا.... قبلهم» درباره حضرت علی علیه‌السلام و امامان از فرزندان ایشان نازل شده و معنی «لیمکنن..... لایشرکون» ظهور حضرت قائم است. (بحرانی، ۱۳۹۴، ص ۳۱۸)

نتایج حاصله از بررسی تفاسیر در خصوص این آیه:

- ۱- وعده ایجاد حکومت جهانی اسلام در سراسر جهان تخلف‌ناپذیر است.
- ۲- این حکومت اختصاص به حاکمیت صالحان و مؤمنان در جهان دارد.
- ۳- حاکمیت دین هدف اصلی و غایی ایجاد این حکومت است.
- ۴- عبودیت کامل در سایه امنیت کامل در این حکومت مهمترین دست‌آورد آنست.

## ۲- مفسران اهل سنت:

ابن کثیر در تفسیر خود این آیه را یکی از بزرگترین وعده‌های الهی به مومنان و صالحان می‌داند و تصریح می‌کند این وعده با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه محقق شد و در زمان خلفای راشدین گسترش یافت، ایشان گسترش سرزمین‌های اسلامی در زمان خلفای راشدین را نمونه‌ای از تحقق وعده استخلاف می‌داند. ابن کثیر معتقد است که این وعده الهی محدود به زمان خاصی نیست بلکه در هر زمانی که مومنان به شرایط آن ملتزم شوند، خداوند آنان در زمین جانشین قرار خواهد داد. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۷۹-۷۷) در این تفسیر به آمدن مهدی به عنوان آخرین نفر که در واقع در زمین به استخلاف می‌رسند اشاره شده است «منهم المهدی الذی اسمه یطابق اسم رسول الله صلی الله علیه و سلم، و کنیته، یملأ الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً». (همان، ج ۶، ص ۷۲) ابن جریر طبری نیز، این آیه را وعده‌ای از جانب خداوند برای خلفای راشدین دانسته است و استخلاف را به معنای جانشینی در زمین، با قدرت و امنیت دانسته شده است. (طبری، ج ۱۸، ص ۴۵۰)

در جای دیگر در ذیل این آیه آمده است: محمد ایچی در مورد علت نزول آیه اینگونه بیان میدارد که این آیه بر رسول خدا نازل شده از جهت اینکه برخی از اصحاب در برخی از اوقات که از جانب دشمن ترسان بودن و رعب آنها



فرامی‌گرفت و از این جهت دچار اذیت میشدن بر پیامبر آیه ی مذکور نازل شده است. در ادامه روایتی را از زمان حیات رسول خدا بیان میکنند که در آن زمان حضرت ده سال در حالت خوف، آشکارا و پنهانی تبلیغ کردند و بعد از آن دستور به هجرت مدینه دادن و در آن زمان هم جنگ های پی در پی داشتن در این هنگام بود که یکی از صحابه به نزد رسول خدا آمد و از ایشان پرسید که در چه زمانی ما به امنیت میرسیم در این هنگام این آیه نازل شد «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (همان، ج ۱۸، ص: ۱۲۲)

ابن ابی حاتم طبق روایتی نزول آیه را در مورد زمان صلح حدیبیه می‌داند زمانی که مشرکین جلوی مسلمانان را برای حج خانه خدا گرفتن این آیه نازل شد. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص: ۲۶۲۷) فردی از اصحاب خدمت رسول خدا میرسد و از او میپرسد که در واقع تا چه زمانی باید به این جدال ادامه دهیم در این هنگام رسول خدا برای او این آیه را قرائت کرده و می‌فرمایند آیا نمی‌خواهید همانند بنی اسرائیل بر دیگران چیره شوید. (همان، ج ۴، ص: ۴۴۶) ابن جوزی نیز در تفسیر خود بر این موضوع اذعان داشته است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص: ۳۰۴) در تفسیر قاشی نیز بدین موضوع و وجود دوازده خلیفه بعد از رسول خدا اشاره شده است. (قاشی، ۱۴۲۸، ص: ۴۷۰)

البته در تحلیل سندی این روایات باید گفت که سند احادیث مربوط به شان نزول این آیه عموماً از اهل سنت است چه اینکه اهل تسنن روایت شان نزول این آیه را نزد خودشان صحیح ارزیابی نموده‌اند. از جمله حدیث ابن جریر طبری که با سند خود از ابی‌العالیه چنین نقل می‌کند: پیامبر خدا ده سال در شرایط ترس و وحشت [در مکه] مردم را در نهان و آشکار به خداوند یکتا دعوت کرد. سپس خداوند دستور هجرت به مدینه را داد. حضرت با یارانشان در مدینه نیز در شرایط ترس و وحشت بودند و ناگزیر همواره با سلاح به سر می‌بردند. پس مردی به [پیامبر اکرم] گفت: آیا روزی بر ما نمی‌آید که در امنیت به سر بریم و سلاح فرو گذاریم؟ پیامبر فرمود: زمانی اندک سپری نمی‌کنید جز آنکه به امنیت می‌رسید و مردی از شما در جمع زیاد بدون سلاح حضور خواهد یافت. خداوند در پی این خبر این آیه را نازل کرد. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۶۰) این حدیث در دیگر کتاب‌های روایی اهل سنت با همین سند آمده است. (ابن ابی حاتم، ج ۸، ص ۲۶۲۷) جمعی از آنان نیز بخشی از این حدیث را از ابو‌العالیه از ابی بن کعب با سند صحیح نقل کرده‌اند. از جمله حاکم در مستدرک که حدیث

را بدین صورت آورده است:

چون پیامبر خدا با یارانشان [از مهاجران] از مکه به مدینه آمدند و انصار آنان را پناه دادند، عرب، جملگی با یکدیگر دست به هم داده، برضد آنان دست به سلاح بردند، ناگزیر اصحاب پیامبر همواره با سلاح به سر می بردند. پس آنان چنین گفتند: به ما خبر دهید آیا امکان دارد زندگی را به گونه‌ای سپری کنیم که در امنیت کامل شب را به صبح رسانیم و جز از خدا نترسیم؟ پس در پی این آرزو این آیه نازل شد.... (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۰) ذهبی در تعلیقه خود بر مستدرک این حدیث را صحیح دانسته است. سیوطی نیز آن را از چند تن از محدثان مانند ابن منذر، طبرانی، بیهقی و ابن مردویه نقل کرده است. (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۲۰۷)

ابن ابی حاتم به نقل از محمد بن کعب آیه را در مورد والیان بیان کرده است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص: ۲۶۲۷) البته ایشان در ادامه به نقلی از کعب الاحبار اشاره می‌کند که دوازده خلیفه وجود دارد و به آیه اشاره می‌دارد که در مورد گذشتگان اتفاق افتاده و می‌گوید که در بنی اسرائیل هم این دوازده خلیفه خواهد بود. (همان، ج ۸، ص: ۲۶۲۸)

یحیی بن سالم منظور از وعده الهی را به انبیاء و مومنین تفسیر کرده است. (یحیی تیمی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص: ۴۵۸) اما محمد ایجی در تفسیر خود وعده الهی را به مردم که به خداوند و رسولش ایمان آورده اند در نظر گرفته و عمل صالح را در اطاعت خدا و رسولش در امر و نهی بیان کرده است. استخلاف در زمین را در مورد اراضی مشرکین از عرب و عجم بیان داشته که مردم را فرمانروایان آن سرزمین ها بیان داشته است. (ایجی، ج ۱۸، ص: ۱۲۲) در تفسیر دیگری این وعده به اصحاب محمد رسول الله بیان شده است که عمل صالح انجام میدهند. (ابن کثیر، ج ۸، ص: ۲۶۲۷) حتی در نقلی دیگر استخلاف در زمین را مخصوص اصحاب رسول خدا می‌دانند. (همان، ج ۸، ص: ۲۶۲۷) این موضوع در مورد اصحاب رسول خداست که در مکه ایمان آورده بودن ولی امکان اظهار اسلام را نداشتن آیه مورد نظر وعده ای به آنها بوده است. (الطبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۴، ص: ۴۴۶) قرطبی در تفسیر خود واژه «لَيْسَتْ خَلِيفَتُهُمْ» را به معنای سلطه و حکومت بر زمین گرفته است. او دیدگاه برخی از صحابه و تابعین را پذیرفته و معتقد است که تحقق وعده الهی با تأسیس حکومت اسلامی در مدینه آغاز شد و احتمال می‌دهد تحقق کامل آن در دوران مهدی موعود، باشد. (قرطبی، ۱۳۸۷ه، ج ۶، صص ۲۴۲-۲۳۹) فخر رازی در تفسیر خود به نکات فلسفی و کلامی توجه



ویژه‌ای داشته و می‌گوید: «استخلاف به معنای رسیدن به قدرت و آرامش پس از ترس و ضعف است» (رازی، ج ۲۳، صص ۲۰۵-۲۰۲) آلوسی نیز آیه را ناظر به خلافت چهارگانه دانسته ولی مانند فخر رازی به جنبه‌های عام آن نیز توجه دارد و می‌گوید: «وعده استخلاف مخصوص به گروه خاصی نیست، بلکه هرگاه شرایط آن تحقق یابد، وعده خدا تحقق می‌یابد.» او همچنین، به نظر شیعیان نیز اشاره و فقط آن را نقل می‌کند اما نظر خلافت خلفا را ترجیح می‌دهد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، صص ۴۶۰-۴۴۹)

در کتاب شواهد التنزیل به نقل از ابن عباس این منظور از وعده در آیه را به اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده است. همچنین در نقل دیگری از محمد بن حنفیه منظور از آیه را باز اهل بیت دانسته اند. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص: ۵۳۷) البته که ابن ابی حاتم در تفسیر خود به روایتی بدین گونه از عطیه نقل شده که «ذکر، عن عبید الله بن موسی، أنبأ فضیل بن مرزوق، عن عطیة فی قوله وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض قال: أهل بیت هاهنا و أشار بیده إلی القبلة.» (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۸، ص: ۲۶۲۸) و نشان از اهل بیت در این جا بنظر می‌رسد اهل بیت رسول خدا باشد.

ابی حاتم به نقل از مقاتل بن حیان زمین را شهر مدینه بیان داشته است. (همان، ج ۸، ص: ۲۶۲۸)

در بخش دینی که خداوند به آن راضی است اسلام را بیان داشته که ظاهر می‌شود و بر ادیان دیگر فائق می‌آید. در ادامه به روایتی از رسول خدا اشاره می‌دارد که روزی می‌رسد در زمین در هر خانه‌ای اسلام وارد می‌شود.<sup>۱</sup> (یحیی تیمی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص: ۴۵۸) ابن ابی حاتم بر اسلام بودن تاکید داشته است. (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۸، ص: ۲۶۲۹)

کفر در آیه به کفر نعمت است و در اینجا منظور کفر به خداوند نیست. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص: ۱۲۳) یحیی تیمی فسق را به شرک تفسیر کرده است. (یحیی تیمی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص: ۴۵۹)

طبق روایات «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» منظور امت رسول خداست. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص: ۱۲۳)

### ۳- تحلیل تطبیقی مفسران شیعه و اهل سنت

۱. «عبد الرحمن بن يزيد عن سليم بن عامر الكلاعي قال: سمعت المقداد بن الأسود يقول: سمعت رسول الله يقول: لا يبقى على ظهر الأرض بيت مدر ولا وبر الا دخله الله كلمة الإسلام بعز عزيز أو ذل ذليل، إما بجزهم الله فيجعلهم من أهلها وإما يذلهم الله فيدينون لها.» (یحیی تیمی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص: ۴۵۹)

ردیف	محور	مفسران شیعه	مفسران اهل سنت
۱	مصادق استخلاف	حکومت امام مهدی (عج)	خلفای راشدین
۲	زمان تحقق وعده	آینده نگر و فرجام شناسانه	گذشته نگر و تاریخی
۳	وسعت تحقق	جهانی و کامل	محدود به صدر اسلام
۴	شرط تحقق	ایمان واقعی + عمل صالح مستمر	ایمان و پیروی از پیامبر

#### ۴- کارکردهای اجتماعی

آیه ۵۵ سوره نور یکی از آیات کلیدی در حوزه اندیشه اجتماعی و سیاسی قرآن کریم است. وعده خداوند به مؤمنان مبنی بر استخلاف، تمکین و امنیت، تنها وعده‌ای فردی یا اخروی نیست، بلکه حامل دلالت‌های عمیقی در عرصه اجتماع است که مستقیماً با ساختار و پویایی جامعه مؤمنان در ارتباط است. این آیه را می‌توان به مثابه یک الگوی تمدن‌ساز اجتماعی در بستر وحی تلقی کرد که بنیادهای حرکت جمعی، پایداری اجتماعی، سازمان‌یافتگی سیاسی و تحقق عدالت دینی را تبیین می‌کند. به برخی از کارکردهای کلان اجتماعی وعده استخلاف نیز اشاره می‌شود:

۴-۱. امید و پویایی اجتماعی مؤمنان در بسیاری از جوامع دینی، به ویژه در شرایط فشار، ظلم یا استضعاف، امید به آینده روشن و غلبه حق بر باطل، عاملی اساسی در مقاومت اجتماعی و بقای هویت دینی است. آیه ۵۵ با وعده روشن استخلاف، «امید الهی» را در دل مؤمنان زنده می‌کند. مکارم شیرازی می‌نویسد: «این آیه روح تازه‌ای در کالبد جامعه دینی می‌دمد؛ جامعه‌ای که با اطمینان به وعده الهی، ایستادگی و تلاش خود را در جهت تحقق آن افزایش می‌دهد» (مکارم شیرازی، ج ۱۴، ص ۵۳۲)

۴-۲. انگیزه جمعی برای تحقق شرایط وعده آیه ۵۵ وعده‌ای مشروط است «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» این مشروط بودن، جنبه‌ای مهم در تبیین کنش جمعی اخلاق محور دارد. جامعه مؤمن باید به سوی ایمان واقعی، عمل صالح، توحید خالص و پیروی از حق حرکت کند تا شایسته استخلاف شود. این شرط، بُعد مسئولیت‌ساز و فعال‌کننده درونی دارد که موجب افزایش مشارکت اجتماعی و اخلاقی در جامعه می‌شود. علامه طباطبایی در المیزان می‌گوید: «استخلاف به شرط صلاحیت جمعی اعطا می‌شود، نه به صرف ادعای ایمان» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۷۷)

۴-۳. ایجاد انسجام اجتماعی و هویت جمعی توحیدی وعده استخلاف، بر ایمان و توحید مبتنی است، نه قومیت، نژاد یا قدرت. این دیدگاه، انسجام اجتماعی



را نه براساس عوامل ظاهری، بلکه بر محور ارزش‌های مشترک دینی بازتعریف می‌کند. در واقع، آیه ۵۵ سازوکار بازتولید هویت ایمانی جمعی را تبیین می‌کند و جامعه مؤمنان را به عنوان یک هویت تاریخی و زنده به رسمیت می‌شناسد

۴-۴. زمینه‌سازی برای نظم سیاسی-توحیدی آیه، نه تنها وعده «استخلاف» می‌دهد، بلکه به صراحت می‌گوید: «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» یعنی استخلاف در زمین، مقدمه‌ای برای تمکین دین مرضی خداوند در عرصه اجتماعی است. به تعبیر دیگر، این آیه پایه‌ای برای الگوی نظام حکمرانی اسلامی مبتنی بر رضایت الهی و مشارکت ایمانی مردم است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود می‌فرماید: «شک نداریم که این وعده‌ی خداوند متعال محقق خواهد شد. شرط آن، ایستادگی، استقامت، راه گم نکردن، هدف را گم نکردن وحدت را حفظ کردن و به خدای متعال توکل کردن است» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۴)

۴-۵. مقابله با ساختارهای استکباری و بازتولید گفتمان مقاومت. آیه ۵۵، به شکل ضمنی ساختارهای سلطه‌گر را نفی می‌کند؛ چرا که وعده حکومت نهایی را به اهل ایمان می‌دهد. این آیه با گفتمان «مقاومت مؤمنانه»، بستر معرفتی برای مقابله با استبداد، فساد، و ظلم جهانی فراهم می‌آورد. این کارکرد، در گفتمان انقلاب اسلامی و نظریه «امت و امامت» امام خمینی (ره) نیز بارها مورد استناد قرار گرفته است.

## ۵- کارکردهای اجتماعی، تمدنی و تربیتی وعده استخلاف برای جامعه معاصر و نظام اسلامی:

آیه ۵۵ سوره نور، فراتر از یک وعده تاریخی برای آینده مؤمنان، حامل نقشه‌ای الهی برای ساخت جامعه آرمانی توحیدی است. اگرچه تحقق نهایی این وعده در عصر ظهور مهدی موعود (عج) دانسته شده، اما آموزه‌ها، مفاهیم و سنن آن می‌تواند الهام‌بخش نظام‌های دینی معاصر و موتور محرکه‌ای برای تمدن‌سازی اسلامی باشد.

### ۵-۱. کارکردهای اجتماعی در جامعه معاصر

۵-۱-۱. گفتمان هویت و خودباوری دینی جامعه اسلامی معاصر، به ویژه در عصر تهاجم فرهنگی، نیازمند بازتعریف هویت خویش است. این آیه، با تأکید بر تمکین دین مرضی، استقلال فرهنگی و وعده امنیت ایمانی، مبنای نظری برای احیای «هویت دینی مقاوم» فراهم می‌آورد. علامه طباطبایی در المیزان

می نویسد: «تمکین دین الهی، به معنای بازگشت جامعه به فطرت توحیدی خود است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۷۷).

۱-۲. ایجاد انگیزه جمعی برای تحقق جامعه صالحان؛ تأکید آیه بر ایمان، عمل صالح، عبادت خالص و نفی شرک، مسیر تربیت اجتماعی را مشخص می سازد. در واقع، این وعده تنها به جامعه ای تعلق می گیرد که «خودسازی فردی» را به «نهادسازی اجتماعی» پیوند دهد. در تفسیر نمونه آمده است: «وعده استخلاف، یک هدف تربیتی بزرگ است. جامعه ای که می خواهد وارث زمین شود، باید شایسته آن گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۳).

۱-۳. تضعیف فرهنگ استضعاف و تزریق امید الهی؛ در عصری که امت اسلامی با شکست ها، فقر، تحقیر رسانه ای و سلطه سیاسی مواجه است، آیه ۵۵ همانند آیه ۵ سوره قصص، وعده ای برای دگرگونی وضعیت است. «و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض» (قصص، ۵) از این رو، وعده استخلاف نه فقط برای آینده، بلکه ابزار احیای امروزی است.

#### ۲-۵. کارکردهای تمدنی برای نظام اسلامی

۱-۲-۵. پشتوانه قرآنی برای نظریه نظام اسلامی؛ نظام جمهوری اسلامی ایران، یکی از معدود نظام هایی است که مشروعیت و جهت گیری خود را بر آیات وعده محور از جمله آیه ۵۵ نور بنیان نهاده است. این آیه، با تأکید بر استخلاف، تمکین دین و امنیت، سه ضلع تمدن اسلامی را معرفی می کند: حضرت آیت الله خامنه ای نیز یکی از نشانه های این وعده تخلف ناپذیر در اولین و مهمترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی دانسته اند که ایران را به پایگاه مستحکم برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد و آن را پدیده ای معجزه آسا در اوج هیاهوی مادیگری و نمونه بارز مقاومت و استحکام در برابر ضربات سیاسی، نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی دشمنان قسم خورده نظام اسلامی، می دانند (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷)

کاربرد تمدنی	آیه ۵۵ نور	عنصر
مشروعیت سیاسی دینی	"لَيْسَتْخَلْفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ"	حاکمیت
اجرای دین در ساختار اجتماعی	"وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ"	شریعت
عدالت و نظم اجتماعی	"وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا"	امنیت

#### ۲-۲-۵. ایجاد وحدت راهبردی در امت اسلامی

این آیه، در میان فریقین (شیعه و اهل سنت) تفسیرهای مشترکی دارد و از این رو



می‌تواند پایه‌گفتمان مشترک امت‌سازی باشد. فخر رازی، ابن‌کثیر، طباطبایی و مکارم شیرازی همگی وعده‌استخلاف را مشروط به اصلاح ایمانی جامعه می‌دانند. در تفسیر کبیر آمده است: «مؤمنان، اگر صالح شوند، خدا وعده می‌دهد که زمام زمین را به آنان بسپارد» (فخر رازی، ج ۲۴، ص ۵۹۲)

### ۳-۵. کارکردهای تربیتی و فرهنگی

۳-۵-۱. الگویی برای تربیت نسلی مهدوی؛ نسلی که خود را «وارث وعده‌استخلاف» می‌بیند، نه تنها به خودباوری می‌رسد، بلکه مسئولیت‌پذیر، مقاوم، دین‌باور، ضد ظلم و عدالت‌خواه تربیت می‌شود. این کارکرد در دستگاه تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی نظام اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد.

۳-۵-۲. مهار اضطراب اجتماعی با وعده الهی؛ در جهان امروز که بحران روانی، ترس از آینده، ناامنی اقتصادی و فقر معنوی موج می‌زند، وعده قرآنی استخلاف، دارویی شفابخش برای «امنیت روانی جمعی» است. با تحقق این وعده، خداوند در آیه «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» خوف اجتماعی را به امنیت پایدار تبدیل می‌کند. در کتاب قیام و انقلاب مهدی آمده است: «جامعه‌ای که به وعده استخلاف ایمان دارد، هیچ‌گاه دچار پوچی، اضطراب یا بی‌هدفی نمی‌شود» (مطهری، ص ۴۰)

### نتیجه‌گیری

آیه ۵۵ سوره نور یکی از آیات بنیادین قرآن کریم در زمینه‌ی وعده الهی به مؤمنان برای جان‌نشینی و استقرار حکومت در زمین است. بررسی تطبیقی تفاسیر شیعه و اهل سنت پیرامون این آیه، نشان‌دهنده دو رویکرد متفاوت و در عین حال مکمل است: از منظر مفسران اهل سنت، تحقق وعده استخلاف ناظر بر دوره‌ای تاریخی مشخص، یعنی دوران پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین است. این دیدگاه با تأکید بر مصادیق تاریخی مانند گسترش اسلام در جزیره‌العرب و فتوحات بزرگ مسلمانان، استخلاف را نوعی تحقق وعده الهی در شکل حاکمیت سیاسی می‌داند. هرچند برخی از مفسران اهل سنت مانند فخر رازی و آلوسی به عمومیت و استمرار وعده نیز اشاره کرده‌اند، اما غالب نگاه‌ها ناظر بر تحقق نسبی آن در صدر اسلام است. در مقابل، مفسران شیعه با توجه به تأکید بر آرمان‌نهایی عدالت جهانی و حاکمیت توحید، تحقق کامل این آیه را در آینده‌ای حتمی و با ظهور امام مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) می‌دانند. از این منظر، آیه ۵۵ سوره نور، نه تنها یک وعده تاریخی بلکه یک بشارت فراتاریخی است که هدف غایی آن

برپایی حکومت عدل جهانی بر اساس توحید خالص و برچیدن شرک از زمین است. این نگاه، با روایات متعدد در منابع حدیثی شیعه درباره نقش مهدویت در تحقق استخلاف، پیوندی محکم دارد. در مجموع، آیه ۵۵ سوره نور در هر دو دیدگاه، وعده‌ای الهی مشروط به ایمان، عمل صالح و خلوص در توحید است. اما تفسیر شیعه با رویکردی آینده‌نگر، نگاه آرمانی‌تری به تحقق این وعده دارد و آن را منحصر به تجربه‌ای گذرا در تاریخ نمی‌داند، بلکه نویدبخش ظهور کامل‌ترین شکل حکومت الهی در زمین می‌بیند؛ حکومتی که در پرتو آن، امنیت، عدالت و پرستش خالصانه خداوند محقق خواهد شد.

در جمع‌بندی کارکردهای اجتماعی و تمدنی، می‌توان گفت که وعده استخلاف در بُعد اخلاقی: ایجاد تعهد جمعی برای صلاح و رشد معنوی، در بُعد هویتی: تقویت انسجام بر پایه ایمان، نه قومیت یا سیاست، در بُعد سیاسی: مشروعیت بخشی به نظام دینی و الهی در برابر نظام‌های طاغوتی، در بُعد فرهنگی: مقابله با بی‌هویتی و استحاله فرهنگی تحت تمدن غربی، و در بُعد روانی: احیای امید، انگیزه، و پایداری در دل جامعه مؤمنان، می‌باشد.

همچنین وعده استخلاف در آیه یاد شده، نه فقط یک نوید دینی برای آینده، بلکه راهبردی الهی برای ساخت تمدنی نوین و اجتماعی متعالی در امروز است. نظام اسلامی می‌تواند با تکیه بر این وعده: گفتمان خود را تقویت کند، ساختارهای اجتماعی را بازمهندسی کند و نظام تربیتی و فرهنگی جامعه را در مسیر توحید و عدالت قرار دهد.



## منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹): «تفسیر القرآن العظیم»، چاپ سوم، محقق: طیب، اسعد محمد، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز،
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲): «زاد المسیر فی علم التفسیر»، محقق: مهدی، عبد الرزاق، بیروت: دار الکتب العربی.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹): «تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)»، محقق: شمس الدین، محمد حسین، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق): «تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق: سامی بن محمد سلامه، دار طیبه.
۶. احمدیان، علی اصغر (۱۳۹۵): «تبیین استخلاف از منظر قرآن»، فصلنامه بینات (پژوهش های قرآنی)، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۴۵-۶۶
۷. ایجی، محمد عبدالرحمن (۱۴۲۴): «جامع البیان فی تفسیر القرآن (ایجی)»، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۸. آلوسی، شهاب الدین (بی تا): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی»، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۸، صص ۲۰۴-۲۰۷
۹. بابایی، علی اکبر و کوهی گونبانی، سکینه (۱۳۹۹) «بررسی تطبیقی آیه ۵ سوره نور با تأکید بر شناخت مستخلفین» فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره ۶۸، صص ۳۵-۹
۱۰. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۵ق)، «البرهان فی تفسیر القرآن»، قم، موسسه البعثه
۱۱. بحرانی، سیدهاشم (۱۳۹۴): «سیمای حضرت مهدی در قرآن»، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، نشر آفاق، ج ۵، ص ۳۱۸
۱۲. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۴۱۱ق)، «المستدرک علی الصحیحین»، ج ۲،
۱۳. حسینی، سیدمحسن (۱۳۹۸): «تحلیل وعده الهی در قرآن از منظر جامعه شناسی دینی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید.
۱۴. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱): «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»، محقق: محمودی، محمدباقر، تهران: وزارت الثقافة والإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع والنشر.
۱۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، «تفسیر نورالتقلین»، مصحح: رسولی، هاشم، قم، نشر اسماعیلیان
۱۶. خامنه ای، سیدعلی، بیانات در دیدار کارگزاران نظام و پیام به حج، <https://farsi.khamenei.ir/۷=speech-quran?npt>
۱۷. خوش فر، محسن و عمادی، مریم (۱۴۰۰)، تخصیص یا تعمیم مصداق موعودین در آیه ۵۵ سوره نور، علوم قرآن وحدیث، شماره ۱۰۷، صص ۲۹۸-۳
۱۸. رازی، محمد بن عمر (فخر رازی) (۱۴۲۰ق): «التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. رازی، شیخ ابوالفتح (۱۳۷۰): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، بنیاد پژوهش های اسلامی، ج ۱۴، ص ۱۷۰
۲۰. رازی، محمد بن عمر، (بی تا): «مفاتیح الغیب»، دارالفکر، ج ۲۳، صص ۲۰۲-۲۰۵
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷)، «مفردات الفاظ قرآن کریم»، ترجمه: حسین خدایپرست، نشر نوید اسلام، چاپ اول
۲۲. رضا، محمدرشید (۱۹۳۵م)، «تفسیر المنار»، بیروت، دارالمعرفه، ج ۶

۲۳. زکی، دکتر زهره و عظیمی فر، دکتر علیرضا (۱۴۰۳)، بررسی تفسیری آیه ۵۵ سوره نور بر حاکمیت الهی صالحان بر زمین با رویکرد تطبیقی، مجله قرآنی کوثر، شماره ۷۸، صص ۸۴-۶۵
۲۴. زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷ق)، «الکشاف»، مصحح: احمد، مصطفی حسینی، بیروت، دارالکتب العربی
۲۵. ذهبی، شمس الدین (۱۴۲۷ق)، «سیر اعلام النبلاء» ج ۴، شماره ۲۰۷
۲۶. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)؛ «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۷. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸ م)؛ «التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)»، اردن-اربد: دارالکتب الثقافی.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، «مجمع البیان»، مصحح: رسولی، هاشم. بیروت، دارالمعرفه
۲۹. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ ه)؛ «جامع البیان»، تحقیق: احمد شاکر، دار هجر، ج ۱۸، صص ۴۴۹-۴۶۰
۳۰. طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، «التبیین فی تفسیر القرآن»، مصحح: عاملی، احمد حبیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی
۳۱. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۳)، «تفسیر الصافی»، مصحح: علمی، حسین. تهران، مکتبه الصدر
۳۲. قاشی، حیدر بن علی (۱۴۲۸)؛ «تفسیر القاشی المسمی المعتمد من المنقول فیما اوحی الی الرسول صلی الله علیه و سلم»، محقق: مزیدی، احمد فرید، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۳۳. قرطبی، محمدبن احمد (ابوعبدالله) (۵۱۳۸۷ه)؛ «الجامع لاحکام القرآن»، دارالکتب المصریه، ج ۱۲، صص ۲۳۹-۲۴۲
۳۴. قرطبی، محمدبن احمد (ابوعبدالله) (۱۴۰۵)؛ «الجامع لاحکام القرآن»، موسسه تاریخ العربی، چاپ دوم، ج ۱۲، ص ۲۹۷
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، «آینده انقلاب اسلامی»، تهران، انتشارات صدرا
۳۶. مطهری، مرتضی (۵۱۳۹۸ق)، «قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ»، تهران، انتشارات صدرا
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، «پیام قرآن»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۹
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)؛ «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۹. نجارزادگان، فتح الله (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی (عج) در دیدگاه فریقین، تهران، انتشارات سمت
۴۰. نجارزادگان، فتح الله (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی تفسیر آیه وعده (نور: ۵۵) از دیدگاه مفسران فریقین با تأکید بر شناخت قوم موعود، نشریه قرآن شناخت، شماره ۲
۴۱. نوروزی، رضا؛ قاسم پور، محسن (۱۳۹۹)، بررسی دلالت آیه ۵۵ سوره نور بر رجعت از دیدگاه فریقین، پژوهش های تفسیر تطبیقی، شماره، صص ۹۵-۱۱۳
۴۲. یحیی تیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵ق)؛ «تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القیروانی»، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

## Resources:

The Holy Qur'an.

1. Ibn Abi Hatim, A. M. (1419 A.H.). Tafsir al-Qur'an al-'Azim (3rd ed., edited by As'ad Muhammad Tayib). Riyadh: Maktabat Nizar Mustafa al-Baz.
2. Ibn al-Jawzi, A. b. A. (1422 A.H.). Zad al-Masir fi 'Ilm al-Tafsir (ed. 'Abd al-Razzaq al-Mahdi). Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi.
3. Ibn Kathir, I. b. 'U. (1419 A.H.). Tafsir al-Qur'an al-'Azim (ed. Muhammad Husayn Shams al-Din). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah, Muhammad 'Ali Baydun Publications.
4. Ibn Kathir al-Dimashqi, I. b. 'U. (1407 A.H.). Tafsir al-Qur'an al-'Azim (ed. Sami ibn Muhammad Salamah). Dar Taybah.
5. Ahmadian, A.-A. (2016). Explanation of istikhlaf from the perspective of the Qur'an. Bi'nat Qur'anic Research Quarterly, 16(63), 45–66.
6. Iji, M. 'A. R. (1424 A.H.). Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (ed. Muhammad 'Ali Baydun). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
7. Al-Alusi, S. al-D. (n.d.). Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'Azim wa al-Sab' al-Mathani (Vol. 18, pp. 204–207). Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
8. Babaei, A. A., & Koohi Gonyani, S. (2020). A comparative study of verse 55 of Surah An-Nur with emphasis on the identity of the successors. Sefineh Qur'anic and Hadith Studies Journal, 68, 9–35.
9. Bahrani, S. H. (1415 A.H.). Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an. Qom: Mu'assasat al-Ba'thah.
10. Bahrani, S. H. (2015). The image of Imam Mahdi in the Qur'an (Trans. S. M. Haeri Qazvini, Vol. 5, p. 318). Afagh Publications.
11. Al-Hakim al-Naysaburi, A. 'A. (1411 A.H.). Al-Mustadrak 'ala al-Sahihayn (Vol. 2).
12. Hosseini, S. M. (2019). Analysis of the divine promise in the Qur'an from the perspective of the sociology of religion (M.A. thesis). Mofid University.
13. Al-Haskani, 'U. b. 'A. (1411 A.H.). Shawahid al-Tanzil li-Qawa'id al-Tafdil (ed. M. B. al-Mahmudi). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
14. Al-Huwaizi, 'A. b. J. (1415 A.H.). Tafsir Nur al-Thaqalayn (ed. H. Rasuli). Qom: Isma'iliyyan Publications.
15. Khamenei, S. A. Speeches in meetings with state officials and Hajj messages. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-quran?npt=7>
16. Khoshfar, M., & Emadi, M. (2021). Specification or generalization of the promised ones in verse 55 of Surah An-Nur. Qur'an and Hadith Sciences Journal, 107, 3–298.
17. Al-Razi, M. b. 'U. (Fakhr al-Razi) (1420 A.H.). Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
18. Al-Razi, S. A. F. (1991). Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Qur'an (Vol. 14, p. 170). Islamic Research Foundation.
19. Al-Razi, M. b. 'U. (n.d.). Mafatih al-Ghayb (Vol. 23, pp. 202–205). Dar al-Fikr.
20. Raghīb al-Isfahani, H. b. M. (2008). Al-Mufradat fi al-Faz al-Qur'an (Trans. H. Khodaparast). Navid-e Islam Publications.
21. Rida, M. R. (1935). Tafsir al-Manar (Vol. 6). Beirut: Dar al-Ma'rifah.
22. Zaki, Z., & Azimifar, A. (2024). An exegetical study of verse 55 of Surah An-Nur on the divine sovereignty of the righteous with a comparative approach. Kosar Qur'anic Journal, 78, 65–84.
23. Al-Zamakhshari, M. b. 'U. (1407 A.H.). Al-Kashshaf (ed. A. M. Husayni). Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi.

24. Al-Dhahabi, S. al-D. (1427 A.H.). Siyar A'lam al-Nubala' (Vol. 4, No. 207).
25. Tabataba'i, S. M. H. (1417 A.H.). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers.
26. Al-Tabarani, S. b. A. (2008). Al-Tafsir al-Kabir: Tafsir al-Qur'an al-'Azim. Irbid, Jordan: Dar al-Kitab al-Thaqafi.
27. Al-Tabrisi, F. b. H. (1408 A.H.). Majma' al-Bayan (ed. H. Rasuli). Beirut: Dar al-Ma'rifah.
28. Al-Tabari, M. b. J. (1412 A.H.). Jami' al-Bayan (ed. A. Shakir, Vol. 18, pp. 449-460). Dar Hajr.
29. Al-Tusi, M. b. H. (n.d.). Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an (ed. A. H. al-'Amili). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
30. Fayz Kashani, M. M. (1994). Tafsir al-Safi (ed. H. A'lami). Tehran: Maktabat al-Sadr.
31. Al-Qashi, H. b. 'A. (1428 A.H.). Tafsir al-Qashi (ed. A. F. Mazidi). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah, Muhammad 'Ali Baydun Publications.
32. Al-Qurtubi, M. b. A. (1967). Al-Jami' li-Ahkam al-Qur'an (Vol. 12, pp. 239-242). Dar al-Kutub al-Misriyyah.
33. Al-Qurtubi, M. b. A. (1985). Al-Jami' li-Ahkam al-Qur'an (2nd ed., Vol. 12, p. 297). Mu'assasat al-Tarikh al-'Arabi.
34. Motahhari, M. (2006). The future of the Islamic revolution. Tehran: Sadra Publications.
35. Motahhari, M. (1978). The uprising and revolution of Imam Mahdi (aj) from the viewpoint of the philosophy of history. Tehran: Sadra Publications.
36. Makarem Shirazi, N. (1998). Payam-e Qur'an (Vol. 9). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
37. Makarem Shirazi, N., et al. (1995). Tafsir Nemuneh. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
38. Najjarzadegan, F. (2000). Comparative study of Mahdism verses and personality of Imam Mahdi (aj) in the view of both sects. Tehran: SAMT Publications.
39. Najjarzadegan, F. (2012). A comparative exegesis of the verse of promise (Nur: 55) from the perspective of Sunni and Shia commentators with emphasis on the identity of the promised nation. Qur'an Shenakht Journal, 2.
40. Norouzi, R., & Ghasempour, M. (2020). The indication of verse 55 of Surah An-Nur on the return (Raj'ah) from the view of both Islamic sects. Comparative Tafsir Studies Journal, -, 95-113.
41. Yahya al-Taymi, Y. b. S. al-B. al-Q. (1425 A.H.). Tafsir Yahya ibn Sallam al-Taymi al-Basri al-Qayrawani. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah, Muhammad 'Ali Baydun Publications.
42. Najjarzadegan, F. (2010). A comparative study of the Qur'anic verses on Mahdism and the personality of Imam Mahdi (aj) in the view of both Islamic sects. Tehran: SAMT Publications.